

# بررسی و ارزیابی آثار قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی در ایران

اسفندیار جهانگرد<sup>۱</sup>

سمیه اقلامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۸/۱۸

## چکیده

در مطالعات اقتصادی، کاوش علل رشد اقتصادی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. مطالعات اولیه بر انباشت سرمایه فیزیکی به‌عنوان عامل اصلی رشد متمرکز بوده است. در حالی که مطالعات اخیر با گسترش مفهوم سرمایه از حیطه محدود تجهیزات و ماشین‌آلات «به محدوده وسیع‌تری که دانش متبلور شده در انسان و تحقیقات از یک

\* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

\*\* کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

سو و نهادها و قوانین و مقررات» به عنوان سرمایه اجتماعی از سوی دیگر را نیز شامل می‌شود، تلاش نموده‌اند نواقص تحلیل‌های کلاسیک رشد اقتصادی را برطرف نمایند. در واقع این شاخه از علم اقتصاد به یکی از فعال‌ترین مباحث تبدیل شده است. لذا در این پژوهش با استفاده از مطالعه هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) به بررسی تأثیر قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه بر شتاب رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶ پرداخته شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از سه روش پروبیت و لاجیت و گامپیت نشان می‌دهند که در اقتصاد ایران اصلاحات اقتصادی در قالب قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه تأثیر مثبت بر وقوع شتاب‌های رشد داشته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** قوانین و مقررات اقتصادی، رشد اقتصادی

**طبقه‌بندی JEL:** O40, K20

بررسی و مطالعه جنبه‌های مختلف رشد اقتصادی دارای دو اهمیت ویژه است که یکی از آنها افزایش شناخت و آگاهی سیاستگذاران برای اخذ تصمیم و دیگری پیش‌بینی نرخ رشد با الگوسازی بر اساس چهارچوب‌های علمی و نظری می‌باشد. در ادبیات اقتصادی، بررسی علل رشد اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی به‌گونه‌ای پایدار، مهمترین مسئله سیاستی در اقتصاد است. اقتصاددانان مدت زمانی طولانی است که از انواع رویکردهای اقتصادسنجی برای روشن کردن این مسئله که چرا برخی کشورها سریع‌تر از دیگران رشد می‌کنند، استفاده کرده‌اند. تجویز سیاستی که از کارهای بارو، سالای مارتین (۱۹۹۵)، هال، جونز و دیگران (۲۰۰۱) و دیگران استخراج کرده‌اند، تحت سه اصل خلاصه می‌شوند: باز کردن اقتصاد، پول سالم و حقوق مالکیت. اگر چه اکثر مطالعات تجربی پیرامون تعریف و اندازه‌گیری متغیر وابسته توافق دارند ولی محدوده وسیعی از رویکردها معطوف به تعریف، انتخاب و اندازه‌گیری متغیرهای توضیحی به‌ویژه عوامل نهادی بوده که تصور می‌شود بر عملکرد اقتصادی مؤثر باشند. تعدادی از مطالعات به اهمیت دموکراسی، سرمایه اجتماعی و حقوق سیاسی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه پیرامون عملکرد اقتصادی پرداخته‌اند (هلی ول، ۱۹۹۴). سایر مطالعات سعی نموده‌اند تا نقش کارآیی بوروکراتیک و فساد (ارتشا<sup>۱</sup>) (ماورو ۱۹۹۵) یا نقش نهادهای غیررسمی نظیر تراست‌های درون فردی<sup>۲</sup> و اشکال مدنی را ارزیابی نمایند.

با توجه به اهمیت همه متغیرها در مطالعات جهانی در این مطالعه تمرکز را بر طیفی از عوامل مختلف همچون چهارچوب خارجی، سیاست‌ها و فضای اقتصادی و شرایط سیاسی قرار داده و نقش قوانین و مقررات را با به‌کارگیری مدل مطالعه هاسمن، پریتچت و رادریک (۲۰۰۵) بر شتاب رشد اقتصادی در ایران مشخص می‌کنیم. در این راستا تلاش می‌شود تا صحت فرضیه‌های زیر مورد ارزیابی قرار گیرد: قوانین برنامه ایران اثر مثبت و معنی‌داری بر شتاب رشد اقتصادی ایران دارند و نقش قوانین بر رشد اقتصادی در کنار عوامل

1- corruption

2- intrapersonal

اقتصادی رشد اقتصادی یعنی (رابطه مبادله، بازبودن اقتصاد، نرخ ارز واقعی، سرمایه‌گذاری و تورم) مهم و معنی‌دار است. در این پژوهش ابتدا مبانی نظری موضوع مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش دوم به بررسی استراتژی‌های تجربی رشد اقتصادی و سیاست‌های داخلی پرداخته شده؛ سپس با مروری مختصر بر قوانین برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب، جایگاه قوانین و مقررات کشور در رشد و توسعه اقتصادی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بخش چهارم به مرور مختصر مطالعات تجربی داخلی و خارجی اختصاص یافته است. در بخش پنجم ابتدا زمان شتاب‌های رشد در ایران استخراج می‌شود و در ادامه به تخمین مدل رشد اقتصاد با متغیرهای توضیحی شوک‌های خارجی، تغییرات سیاسی و اصلاحات اقتصادی پرداخته خواهد شد و سپس با استفاده از مدل‌های احتمالی پروبیت، لاجیت و گامپیت به تحلیل و بررسی تأثیر قوانین بر زمان وقوع شتاب رشد اقتصادی پرداخته شده است. در بخش پایانی نیز نتایج پژوهش، به‌طور مختصر آورده شده است.

## ۱. چهارچوب نظری

در ادبیات اقتصادی، بررسی علل رشد اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، توجه اقتصاددانان بسیاری را به خود جلب نموده و طیف گسترده‌ای از مطالعات در این باره صورت گرفته است. در ادبیات اقتصادی مسئله مهم و برجسته از نظر فنی، ظهور مدل‌های رشد اقتصادی است. در آغاز ظهور مدل‌های رشد اقتصادی، مدل رشد «هارود - دومار (HD)» که متأثر از اندیشه کینز بود برای اقتصادهای رشد یافته که مواجه با مشکل تقاضای کل بودند، طراحی شد و سعی در پاسخ به این سؤال داشت که در چنین اقتصادهایی، شرایط لازم برای رشد پایدار توأم با اشتغال کامل چیست؟ (میر، ۱۹۹۴). مدل مذکور توانست برای مدت‌ها عنوان تنها مدل رشد بلندمدت را به خود اختصاص دهد.

از دیگر مدل‌های مطرح در این زمینه الگوی رشد «دوزنبری» است. در این

الگو رشد مداوم به دست می‌آید و در هر زمان معین، عوامل برونزا مانند جمعیت، هزینه و مالیات‌های دولتی، مؤسسات مالی و غیره می‌توانند بر متغیرهای درونزا در الگو تأثیر بگذارند. در این الگو تغییرات بنیادی و حرکات نوسانی درآمد کل به وسیله فرآیند انطباق موجودی سرمایه انجام می‌گیرد. این الگو نیز همانند الگوی هارود - دومار نشأت گرفته از عقاید کینز است (تفضلی، ۱۳۷۵). به دنبال توسعه حساب‌های ملی و الگوهای رشد هارود - دومار و دوزنبری، نظریه‌های رشد با مطالعات سولو و سووان ادامه و گسترش یافت.

مدل نئوکلاسیکی سولو (۱۹۵۶) نشان می‌دهد که در حالت متعادل، رشد تولید با رشد جمعیت و نرخ پیشرفت فناوری که متغیری برونزاست برابر خواهد بود. در این مدل‌ها سیاست‌های دولت تنها می‌توانند به‌طور موقت و از یک حالت تعادل به حالت دیگر بر رشد تأثیر بگذارند. این الگو همچنین نشان می‌دهد که اگر سرمایه قابلیت جابجایی داشته باشد، به مرور زمان همگرایی در بین کشورها رخ خواهد داد و این همگرایی به صورت رشد کندتر کشورهای ثروتمند و رسیدن کشورهای فقیرتر خواهد بود (برگستروم، ۱۹۹۸).

بالاخره در ادبیات علم اقتصاد، «الگوهای رشد درونزا» با الهام از مدل رشد رمزی و مباحث کلاسیک‌های جدید و کینزین‌های جدید که اقتصاد کلان را بر مبنای اقتصاد خرد بنا نهادند در مرکز مباحث اقتصاد کلان قرار گرفتند. الگوهای رشد درونزا گرایش به مطالعه «ارو» (۱۹۶۲) دارند. به دلیل تأکیدی که شومپتر بر اهمیت قدرت انحصاری موقت به‌عنوان قوه محرکه فرآیند نوآوری داشته، این الگوها به الگوهای نئو شومپتری نیز مشهور هستند.<sup>۱</sup>

این مدل‌ها از منظر جونز (۲۰۰۲) به دو دسته AK و R&D تقسیم می‌شوند. در این خصوص مطالعات نظری اولیه عمدتاً بر نقش سرمایه فیزیکی به‌عنوان عامل رشد تأکید داشت. در الگوهای رشد جدید که توسط اقتصاددانانی نظیر پل رومر<sup>۲</sup> در اواخر دهه ۹۰ میلادی مطرح شده‌اند، مقوله دانش از طریق تحقیق و توسعه یکی از عوامل مهم رشد اقتصادی عنوان شده

1- Cheng. L.K. and Dinopoulos (1992).

2- P.Romer (1986).

است.

در این مدل‌ها در سال‌های اخیر، نقش عوامل نهادی در رشد اقتصادی مادی اهمیت خارق‌العاده‌ای پیدا کرده است. طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که نظریه‌های رشد اقتصادی نئوکلاسیکی، نهادها را نادیده می‌گیرند و پیش‌بینی می‌کنند که در تعادل بلندمدت، نرخ رشد در بین کشورها یکسان خواهد بود و یا حداکثر با توجه به تفاوت‌های مشارکت نیروی کار تفاوت خواهد داشت. همچنین این گروه از الگوهای رشد درونزا نشان می‌دهند که عوامل نهادی و سیاست‌های دولت می‌توانند به صورت سیستماتیک بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارند (اولسون، ۱۹۹۳).

دیدگاه اصلی اقتصاددانان نهادگرا در مورد علل تفاوت رشد اقتصادی کشورها را می‌توان توسط تابع تولید ذیل توضیح داد:

$$Y = IK^r (hL)^{1-r}$$

که در آن  $Y$  مبین سطح تولید،  $I$  مبین نهادهای یک اقتصاد،  $K$  و  $L$  نیز مؤید سرمایه فیزیکی و نیروی کار می‌باشند و  $h$  نیز مؤید نحوه آموختن چگونگی کار با سرمایه‌های جدید برای کارگزاران اقتصادی است. لذا با این شرایط اقتصادهای با  $K$  و  $L$  و  $h$  مشابه، ممکن است به دلیل تفاوت در نهادهای اقتصادی دارای رشد اقتصادی متفاوتی باشند. با این مضمون الگوهای رشد اقتصادی با لحاظ مفهوم نهاد در آنها، بر این مفهوم استوارند که زیرساخت‌های یک اقتصاد شامل حکومت و مقررات آن و نهادهایی که به آن قدرت می‌بخشند، از جمله عوامل مهم موفقیت بلندمدت اقتصادی هستند و اقتصادهایی که شرایط مناسبی برای تولید را فراهم می‌کنند به شدت پویا و موفق هستند و کسانی که شرایط مذکور را فراهم نمی‌کنند کمتر قرین با موفقیت می‌باشند.

از لحاظ نظری الگوهای متعارف رشد اقتصادی برونزا و درونزا باید توان پاسخگویی به تغییر مکان روند رشد در کشف رابطه رشد و متغیرهای کلان اقتصادی را داشته باشند (نمودار ۱). در الگوی رشد نئوکلاسیک، رشد در زمان  $T$  شتاب می‌گیرد، اما در نهایت به سمت نرخ رشد دوره قبل از  $T$  همگرا

می‌شود (مگر اینکه به تعبیر جونز فناوری همانند هدیه‌ای از بهشت به صورت برونزا پیشرفت کند). در الگوی رشد درونزا رشد به صورت مداوم در زمان  $T$  شتاب می‌گیرد. بنابراین در این الگوها برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر رشد، باید به دنبال تغییراتی بود که در زمان  $T$  یا قبل از آن ایجاد شده‌اند. به عبارت ساده‌تر با شناسایی نقاط چرخش در تجربه رشد و طرح این سؤال که چه عواملی منجر به آن شده‌اند، کار آسانتر می‌شود. اگر در این خصوص آمار و اطلاعات بدون توجه به چرخش مورد بررسی قرار گیرند، اطلاعات درستی برای درک موضوع نمی‌یابیم.

الگوهای رگرسیونی رشد اقتصادی معمولاً به صورت خطی ارائه می‌شوند و ممکن است در شرایط تغییر قوانین و مقررات دیگر خطی نباشند و درک درستی از واقعیت را ارائه نکنند. مطالعات اولیه در این زمینه، مطالعات پریچت (۲۰۰۰) و بن داوید و پپل<sup>۱</sup> می‌باشد که آنها از روش‌های آماری برای شناسایی تغییرات استفاده کردند. در این باره همچنین می‌توان به مطالعات جونز و آلکن<sup>۲</sup> و جرزمانوفسکی<sup>۳</sup> اشاره نمود که از این منظر به الگوهای رشد نگاه کردند. لذا در این تحقیق برای استفاده از یک الگوی عمومی تعیین تولید و پویایی‌های آن از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم. برای فائق آمدن بر مشکلات الگوهای برآوردی متعارف رشد، مطابق مطالعه هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) یک فیلتر شناسایی شتاب‌های رشد را در ایران معرفی می‌کنیم. سپس ویژگی‌های اصلی شتاب‌های رشد و عواملی را که با آنها همبستگی دارند، مورد بحث قرار می‌دهیم.

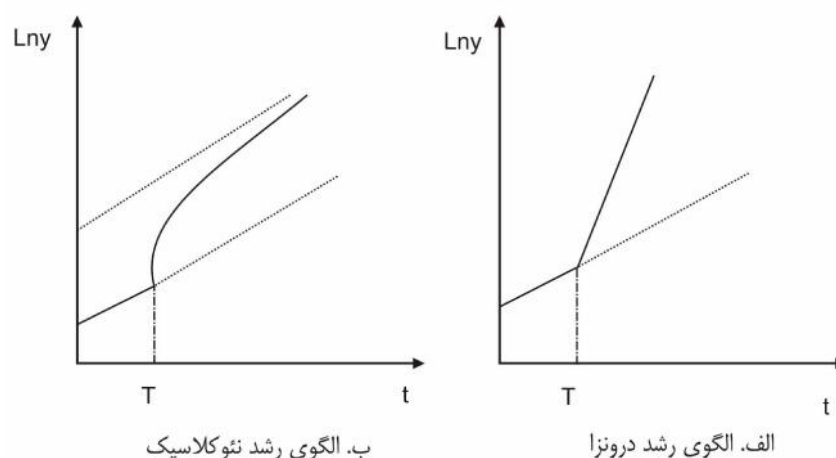
---

1- Ben David and Papell (1998).

2- Jones and Olken (2005).

3- Jerezmanowski, (2005).

### نمودار ۱- اثر بهبود اقتصادی در چهارچوب الگوی رشد نئوکلاسیک و رشد درونزا



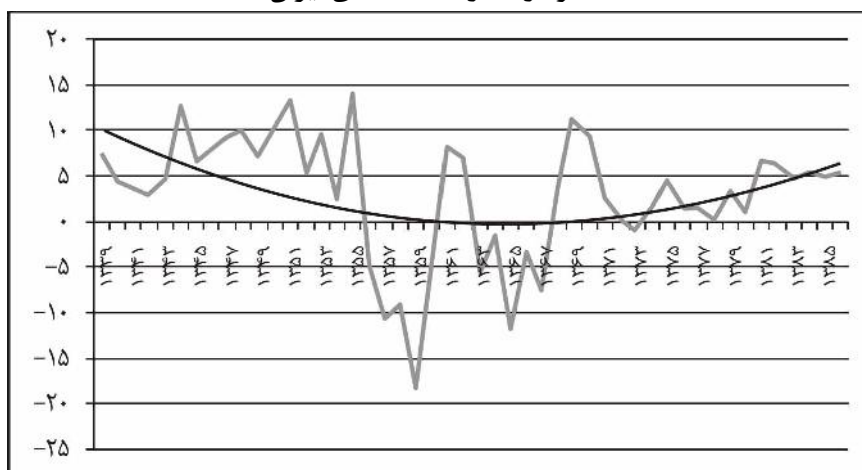
## ۲. بررسی استراتژی‌های تجربی رشد اقتصادی و سیاست‌های داخلی ایران

عملکرد رشد اقتصادی ایران طی نیم‌قرن اخیر امیدوارکننده نیست. بررسی روند تولید ناخالص داخلی ایران نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵ روند صعودی و پس از آن تا سال ۱۳۶۰ روند نزولی داشته است. پس از آن یک دوره کوتاه‌مدت روند تولید در ایران شکل فزاینده به خود گرفته و در سال ۱۳۶۵ دوباره روند نزولی به خود می‌گیرد. این روند کاهشی تا سال ۱۳۶۷ ادامه داشته و پس از فراغت از جنگ دوباره روند تولید کشور شکلی فزاینده با شیب تند به خود می‌گیرد که تا سال ۱۳۷۱ ادامه داشته ولی بعد از این سال از روند شیب تند آن کاسته شده اما همچنان روند فزاینده خود را تا سال‌های ۱۳۸۰ ادامه داده که از این سال تا سال ۱۳۸۶ با شیب تندتری افزایش یافته است. اما در سال ۱۳۸۷ کاهش رشد اقتصادی کشور به ۲/۳ درصد حاکی از کاهش شیب افزایش تولید است. از این منظر تولید سرانه پس از رشد فزاینده خود در دوره ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵ در طی یک دهه پس از آن تا سال ۱۳۶۷ با نوساناتی جزئی به حداقل مقدار خود بعد از سال ۱۳۵۵ رسید و از سال ۱۳۶۷ به بعد با روند ملایم همراه با برخی نوسانات تا سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. در واقع به‌طور کلی تولید



ناخالص داخلی سرانه ایران در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ پایین‌تر است. تحول نرخ‌های رشد ایران در نمودار ۲ به نمایش گذاشته شده است. نخستین نکته قابل توجه از آن، نوسانات زیاد نرخ رشد سالیانه می‌باشد. نوسانات بیشتر نرخ رشد، بیانگر آن است که نرخ رشد کشور ما حداقل در کوتاه‌مدت وابسته به قیمت نفت و درآمدهای ناشی از آن می‌باشد.

نمودار ۲- رشد اقتصادی ایران



منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با این حال نوسان‌پذیری کوتاه‌مدت برخی از روندهای مشخص میان‌مدت و بلندمدت را پنهان می‌دارد. به‌عنوان مثال در صورتی که ما یک خط روند را به نمودار ۲ اضافه نماییم، ملاحظه می‌گردد که خط مربوطه دارای شیب منفی از اواسط دهه ۵۰ شمسی تا اوایل دهه ۷۰ شمسی بوده که نشان‌دهنده گرایش به کاهش نرخ رشد طی دوره زمانی مورد بررسی می‌باشد. طبق این استدلال می‌توان نوسان‌ها را به چندین دوره تقسیم نمود. دوره ماقبل شوک نفتی (۱۳۳۸-۱۳۴۹)، دوره شوک نفتی اول (۱۳۴۹-۱۳۵۵) دوره جنگ، انقلاب، تحریم و کاهش قیمت‌های نفت (۱۳۵۵-۱۳۶۷)، دوره اصلاحات اقتصادی (۱۳۶۸-۱۳۸۴) دوره شوک نفتی دوم (۱۳۸۵-۱۳۸۸). نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه برای ایران در طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۴۹ حدود ۶/۸ درصد بوده است. پس از آن در طی دوره سال‌های ۱۳۴۹-۱۳۵۵ رشد اقتصادی به

۸/۸ درصد سالانه می‌رسد و پس از آن در دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۷ میزان نرخ رشد سالانه با کاهش شدیدی به منفی ۴/۴ درصد بالغ گردیده است.

نرخ رشد سالیانه در طی سال‌های برنامه‌ریزی توسعه (منتهی به سال ۱۳۸۶) نیز معادل ۳/۷ درصد بوده و این نرخ هیچ‌گاه مجدداً به سطوح نرخ رشد دهه اول شوک نفتی و قبل از آن نرسیده است. عملکرد اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به نفت چنین پرنوسان بوده و جای تعجب نیست که عملکرد آن طی نیمه اول دهه ۱۹۷۰ (هنگامی که قیمت‌های نفت بالا بود) چشمگیر بوده و در نیمه نخست دهه ۱۹۸۰ (در هنگامی که قیمت‌های نفت کاهش یافت) بسیار نامناسب بوده است. ولی علی‌رغم این تفاوت‌ها، رفتار میان‌مدت رشد اقتصادی به‌گونه‌ای بوده است که نرخ‌های رشد فوق‌العاده دهه ۵۰ شمسی پس از شوک‌های نخست نفتی و جنگ و انقلاب فروکش کرده است.

نرخ‌های رشد پایین طی دوره برنامه‌ریزی نسبت به دوره دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی کمی قابل تأمل است که نیازمند تحلیل و بررسی می‌باشد. پس از سال ۱۳۶۸ نرخ رشد کشور افزایش داشته ولی همچنان قابل قبول نمی‌باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که عملکرد رشد اقتصادی ایران پس از اتمام جنگ و شروع برنامه‌ریزی امیدوارکننده نبوده است (جهانگرد، ۱۳۸۶).

از منظر دیگر بررسی سیاست‌ها و فضای مترتب بر شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در سطح کلان نکات جالبی را بازگو می‌کند که به نوعی مبین فضای مترتب بر رشد اقتصادی کلان کشور نیز می‌باشد. در این زمینه تجربه ایران نشان می‌دهد که سیاستگذاری اقتصادی در ایران، طی دورانی که ایران دارای برنامه‌های عمرانی و توسعه بوده به هفت دوره تاکنون قابل طبقه‌بندی می‌باشد.

**دوره اول:** عزم جدی برای صنعتی شدن (۱۳۴۲-۱۳۵۱) است. در این دوره با انجام اصلاحات ارضی و تأسیس نهادهای مدرن و هماهنگ با توسعه صنعتی مانند سازمان مدیریت صنعتی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع، بانک اعتبارات توسعه صنعتی، سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن قدم‌های جدی برای توسعه صنعتی در ایران برداشته شد (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲).

**دوره دوم:** استراتژی جایگزینی واردات اول (۱۳۵۲-۱۳۵۶)؛ در این دوره با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ استراتژی جایگزینی واردات با محوریت دولت در ایران تعمیق یافت. یکی از پیامدهای اصلی این استراتژی در ایران شکل‌گیری صنایع مبتنی

بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و همچنین وابستگی تکنولوژیکی به کشورهای توسعه‌یافته بود. نکته مهم در این دوره این است که اتخاذ راهبرد جایگزین واردات نه تنها منتج به صرفه‌جویی در صورت حساب واردات کالاهای سرمایه، واسطه‌ای و مصرفی صنعتی نشد بلکه با گذشت زمان بیلان واردات کشور سیر صعودی پیدا نمود (هادی زنوز، ۱۳۷۹). در این دوره به دلیل افزایش قیمت نفت نسبت به دوره قبل، هم رشد سرمایه‌گذاری و هم رشد تولید بیشتر از دوره اول می‌باشد و صنایع بزرگ با فناوری وارداتی در پیکره اقتصاد ایران شکل گرفتند.

**دوره سوم:** دوره استراتژی خودکفایی اول (۱۳۵۷-۱۳۶۷)؛ این دوره با وقوع انقلاب اسلامی شروع و تا پایان جنگ ادامه پیدا کرد. در این دوره تعارض‌های سیاسی با جهان خارج، خروج سرمایه از کشور و رویگردانی شرکت‌های چندملیتی از سرمایه‌گذاری در ایران و حاکمیت دیدگاه دولتی در داخل منجر به جایگزینی استراتژی خودکفایی بر استراتژی جایگزینی واردات دوره قبل گردید. در این دوره عدم ورود فناوری برای ساخت تجهیزات سرمایه‌ای مورد نیاز داخل و تنگنای ارزی همچنین معدوم شدن برخی از ظرفیت‌های صنعتی به تأثیر منفی بر انباشت سرمایه در این بخش منجر گردید و بخش کشاورزی با دیدگاه خودکفایی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در این دوره کارایی صنعتی نسبت به دوران برنامه پنجم عمرانی کمتر شد و نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های صنعتی نیز به شدت کاهش یافت، به طوری که در سال ۱۳۶۷ به ۴۰ درصد رسید (هادی زنوز، ۱۳۷۹).

**دوره چهارم:** دوره استراتژی جایگزینی واردات دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۴)؛ در نقطه شروع این دوره، صنعت کشور دارای فناوری بسیار فرسوده، بسیاری از بنگاه‌ها ورشکسته، بازار فروش محصولات مواجه با درآمدهای سرانه بسیار کم و ساختار بازار به شدت انحصاری بود. در این دوره با آزادسازی اقتصادی و اصلاح قیمت‌های نسبی، فضا برای رشد اقتصادی فراهم شد. استفاده از تسهیلات بین‌المللی در عین حفظ تعارض سیاسی با جهان خارج و در نتیجه ارزیابی ریسک بالا برای کشور، تورم بالا ناشی از استفاده بخش دولتی از تسهیلات بانکی و اتخاذ سیاست انبساطی به منظور حمایت از فعالیت‌ها از ویژگی‌های این دوره می‌باشد (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲). در این دوره نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های صنعتی افزایش یافت. سیاست‌های اصلاحی دولت

موجب انگیزه بیشتر بخش خصوصی و عمومی برای سرمایه‌گذاری شد و نرخ انباشت سرمایه در بخش صنعت و بخش‌های دیگر سیر صعودی گرفت.

**دوره پنجم:** دوره استراتژی خودکفایی دوم (۱۳۷۵-۱۳۷۷)؛ ویژگی‌های دوره قبل به‌ویژه تورم بالا و افزایش بدهی‌های خارجی به توقف سیاست آزادسازی منجر گردید و سیاست خودکفایی در دستور برنامه‌ریزان قرار گرفت. محدودیت واردات به دلیل مشکل ترازپرداخت‌ها و کمبود سرمایه در گردش، بار دیگر باعث کاهش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌ها گردید و از حجم سرمایه‌گذاری‌ها در این دوره کاسته شد. همچنین تشبیت اداری نرخ ارز در این دوره موجب کاهش نرخ رشد صادرات شد (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲).

**دوره ششم:** دوره اصلاحات اقتصادی (۱۳۷۸-۱۳۸۳)؛ در این زمان عدم وجود نهادی توسعه‌ای و همچنین عدم وجود مکانیسم‌های لازم برای دستیابی به رشد اقتصادی از مشکلات برنامه‌های قبل تشخیص داده شد و در این زمینه اصلاحاتی انجام شد که برخی از آنها عبارت بودند از: تمهید در جهت ایمن‌سازی اقتصاد ملی نسبت به شوک‌های بازار جهانی نفت از طریق تشکیل حساب ذخیره ارزی، جایگزینی تدریجی موانع تعرفه‌ای به جای موانع غیرتعرفه‌ای و فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها تا سطحی که فرصت و شرایط لازم برای درگیر شدن با مذاکرات و شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی<sup>۱</sup> فراهم آید، تأسیس برخی بانک‌های خصوصی داخلی در مناطق آزاد به همراه تقویت بازار بورس (راه‌اندازی بورس‌های منطقه‌ای و کالایی) و نظام مالی غیربانکی به منظور انحصارزدایی از شبکه بانکی و تأمین اطمینان بیشتر برای سرمایه‌گذاری، ایجاد بیمه‌های خصوصی، تصویب و اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی، قانون جدید مالیات‌ها، حذف پیمان‌سپاری برای صدور کالا، اجرای سیاست‌های تمرکززدایی و تصویب نظام جامع تأمین اجتماعی (جهانگرد، ۱۳۸۵).

**دوره هفتم:** دوره وفور درآمدهای نفتی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) در این دوره علی‌رغم داشتن اسناد برنامه‌ای همانند سند چشم‌انداز بیست ساله منتهی به ۱۴۰۴ و داشتن قانون برنامه چهارم توسعه، نوع رویکرد دولت در اجرا با توجه به افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در بازارهای جهانی فراتر از برنامه بوده است. برداشت بیش از اندازه دولت

1- World Trade Organization (WTO).

از حساب ذخیره ارزی<sup>۱</sup>، رشد بی‌رویه هزینه‌های دولت و وابستگی زیاد درآمدهای دولت به درآمدهای حاصل از صدور نفت و گاز، افزایش بی‌سابقه نقدینگی، تثبیت گروهی قیمت فرآورده‌های نفتی و سهمیه‌بندی برخی فرآورده‌های نفتی، افزایش قیمت مسکن، تثبیت قیمت ارز و افزایش تورم، کاهش ارزش مبادله سهام در بورس و کاهش و تنزل فضای کسب‌وکار از ویژگی‌های بارز عملکرد اقتصاد ایران در این دوره می‌باشد.

به‌طور کلی از بررسی و تجربه دوره‌های اخیر این نکته واضح است که اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت وابسته است که روی دیگر آن نداشتن استراتژی مشخص یا عدم اجرای آن می‌باشد و حرکت‌های نوسانی در دوره‌های مختلف از جمله شواهد و مدارک بارز اقتصاد ایران است.

### ۳. بررسی اهداف و سیاست‌های برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران

می‌توان گفت پیدایش فکر برنامه‌ریزی در ایران همزمان با ایجاد «شورای اقتصادی» در سال ۱۳۱۶ بوده است. نخستین جلسه این شورا در ۲ اردیبهشت ۱۳۱۶ و دهمین و آخرین جلسه آن در اول تیر ماه ۱۳۱۶ تشکیل شد. در سال ۱۳۲۳ پس از ۶ سال وقفه هیأت دولت مجدداً «شورای عالی اقتصاد» را تشکیل داد. در اسفند ۱۳۲۴، کمیسیونی برای تهیه طرح کلی برنامه در «بانک ملی ایران» تشکیل شد. در ۱۷ فروردین ۱۳۲۵، تشکیل «هیأت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور» به منظور تهیه برنامه چندساله، به تصویب هیأت وزیران رسید که گزارش خود را (نخستین پیش‌نویس برنامه هفت ساله اول) در پایان خرداد همان سال به نخست وزیر ارائه داد. در ۵ مهر ۱۳۲۷ «اداره دفتر کل برنامه» تأسیس شد که وظیفه آن عبارت بود از تهیه برنامه تفصیلی ۷ ساله برای تقدیم به دولت، این اداره بعدها «سازمان موقت برنامه» نامیده شد. سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ «لایحه قانونی اجرای برنامه هفت ساله عمرانی کشور (۱۳۲۴-۱۳۲۷)» با اعتبار ۲۱ میلیارد ریال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بر اثر ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰ و قطع درآمد نفت،

۱- در این باره طی سال ۱۳۸۴ تا ۶ ماهه سال ۱۳۸۷ به ترتیب ۹/۷، ۲۷، ۱۸/۷ و ۲۳ میلیارد دلار از صندوق توسط دولت برداشت شده است (برنامه‌ای برای پیشرفت و عدالت (۱)، ۱۳۸۸).

قسمت عمده‌ای از وجوه برنامه صرف بودجه مستمر دولت شد و امید به اجرای کامل برنامه اول از میان رفت. پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و در پی صدور مجدد نفت ایران، لازم بود یک برنامه جدید توسعه اقتصادی به مرحله اجرا گذارده شود. از این رو برنامه اول در شهریور ماه ۱۳۳۴ متوقف و مبادرت به اجرای برنامه دوم گردید.

قانون برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۱۳۴۱) در ۸ اسفند ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. اعتبارات برنامه دوم سرانجام به ۸۴ میلیارد ریال رسید. در سال ۱۳۳۹ با تصویب قانون بانکی و پولی کشور بانک مرکزی به وجود آمد و سیاست اعتباری کشور از فعالیت‌های بازرگانی بانک ملی مجزا گردید. برنامه اول و دوم هدف کمی رشد نداشتند. برنامه سوم (۱۳۴۲-۱۳۴۶) اولین برنامه‌ای بود که به صورت جامع و به‌هم‌پیوسته تنظیم و به دولت تقدیم شد؛ مدت آن از ۷ سال به ۵ سال تقلیل یافت و اعتبارات آن به مبلغ ۲۲۲/۴ میلیارد ریال به تصویب رسید. در برنامه سوم نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در برابر ۶ درصد هدف برنامه به ۸/۸ درصد رسید و با توجه به افزایش اندک جمعیت، تولید ناخالص داخلی سرانه با نرخ رشد سالانه ۶ درصد همراه بود.

مصادف با برنامه سوم، اصلاحات ارضی از سال ۱۳۴۱ به مورد اجرا گذاشته شد که زمینه توسعه صنعتی ایران را فراهم کرد. برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۱۳۵۱) نیز ۵ ساله بود و اعتبار آن بعد از تجدید نظر به ۵۶۸ میلیارد ریال رسید. طی سال‌های برنامه چهارم نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در برابر ۹/۴ درصد هدف برنامه به ۱۳/۱ درصد رسید. برنامه عمرانی سوم و چهارم (۱۳۴۲-۱۳۵۱) مترادف با دوره اول سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران یعنی عزم جدی برای صنعتی شدن می‌باشد. برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) سرانجام اعتباری بالغ بر ۳,۳۶۹ میلیارد ریال پیدا کرد. در سه سال اول این برنامه، طبق حساب‌های ملی وقت، رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت‌های ثابت به ترتیب ۱۶/۶ و ۱۶/۷ و ۱۸/۶ درصد بوده که هر چند با رشد پیش‌بینی شده برنامه پنجم یعنی ۲۵/۹ درصد در سال فاصله دارد اما رشد کمی نیست. در حساب‌های بعد از انقلاب رشد تولید ناخالص

داخلی ۵ سال برنامه پنجم بدون نفت به‌طور متوسط ۱۵ درصد و با نفت ۸/۳ درصد برآورد شده است. برنامه عمرانی پنجم مصادف با دوره استراتژی جایگزینی واردات اول است. دوران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به دو دهه ۱۳۵۷-۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ به بعد تقسیم کرد. در دهه نخست انقلاب رشد تولید ناخالص داخلی کشور منفی بود. با توجه به اینکه رشد جمعیت در این دوره بیش از هر زمان دیگر بود و به ۳/۹ درصد در سال رسید، تولید ناخالص داخلی سرانه نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافت. عامل اصلی پیدایش این وضعیت کاهش تولید و صادرات نفت به دلیل جنگ بود.

در مجموع در این دوره اقتصاد کشور یک رشد اقتصادی متوسط ۱/۹- درصدی را در کنار یک تورم ۱۸/۹ درصدی تجربه کرده است. همان‌گونه که در بخش دوم ذکر شد این دوره همزمان با دوره استراتژی خودکفایی اول (۱۳۵۷-۱۳۶۷) در این دهه دو قانون عمده نیز در زمینه بانکداری به تصویب رسید یکی ملی کردن بانک‌ها در سال ۱۳۵۸ بود و دیگری اجرای بانکداری اسلامی که در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید.

اولین برنامه مدون توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب در تاریخ ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ به مدت ۵ سال (برای دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۲) به تصویب مجلس رسید که بعدها تا سال ۱۳۷۴ تمدید شد. اعتبار عمرانی این برنامه ۸,۱۸۹ میلیارد ریال بود. اعتبار جاری آن ۲۰,۷۷۶/۵ میلیارد ریال و اعتبارات شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت ۵,۶۶۶/۸ میلیارد ریال بود. در مجموع در سال‌های اول تا پنجم برنامه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۷ به‌طور متوسط سالانه ۷/۳ درصد رشد داشته است که با نرخ رشد هدف برنامه (۸/۱ درصد) تنها اندکی تفاوت داشت. سیاست واگذاری شرکت‌های دولتی، اعلام آزادی ورود برخی از اقلام مهم به صورت بدون انتقال ارز، حذف تدریجی محدودیت در واردات بسیاری از کالاهای سرمایه‌ای، افزایش فهرست کالاهای مشمول واردات در مقابل صادرات، ایجاد صندوق پشتیبانی ارزی صادرات غیرنفتی، حذف و تخفیف پیمان‌سپاری ارزی از جمله سیاست‌هایی بود که در این دوره به مرحله اجرا درآمد. می‌توان گفت این دوره مترادف با دوره چهارم سیاست‌گذاری اقتصادی - استراتژی جایگزینی واردات دوم - می‌باشد. در سال

پایانی برنامه اول (۱۳۷۲) نیز ضمن تداوم سیاست تعدیل اقتصادی و اصلاحات ساختاری، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به مورد اجرا گذاشته شد. همچنین قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصادف با برنامه اول توسعه، در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۶۹ به تصویب نهایی رسید.

دومین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۷۴ آغاز شد و تا سال ۱۳۷۸ ادامه داشت. اعتبار جاری آن ۴۸۳،۱۱۴ میلیارد ریال و اعتبار عمرانی آن ۸۳۷،۷۵ میلیارد ریال بود. در برنامه دوم توسعه برای تولید ناخالص داخلی نرخ رشد متوسط ۵/۱ درصد در نظر گرفته شده بود. اما در عمل نرخ رشد متوسط تولید ناخالص داخلی در طول برنامه دوم ۳/۸ درصد در سال بود. در این سال‌ها اقداماتی در راستای بهبود عملکرد نظام مالیاتی از جمله گسترش پایه مالیاتی و تنظیم پیش‌نویس لایحه مالیات بر ارزش افزوده صورت پذیرفت.

در سال ۱۳۷۳ و ابتدای سال ۱۳۷۴ سیاست‌های ارزی و تجاری تثبیتی و کنترلی به‌عنوان جایگزین سیاست‌های تعدیلی مطرح گردید که با اعمال کنترل نرخ ارز در اردیبهشت ۱۳۷۴ تکمیل شد. همچنین از تاریخ ۱۳۷۴/۲/۳۰ سیاست‌های کنترلی و همچنین اعمال سیستم دوبرخی ارز با معرفی ارز صادراتی در کنار ارز شناور اجرا گردید. برنامه دوم توسعه مصادف با دوره استراتژی خودکفایی دوم می‌باشد. قانون برنامه سوم توسعه در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

با شروع برنامه سوم توسعه دوره اصلاحات اقتصادی آغاز شد. میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در برنامه سوم حدود ۵/۴ درصد بوده که از متوسط رشد سالانه مورد نظر برنامه حدود ۰/۶ درصد پایین‌تر می‌باشد. اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، تشکیل سازمان امور مالیاتی، تهیه و تدوین لایحه مالیات بر ارزش افزوده، تهیه و تنظیم، تصویب و اجرای قانون تجمیع عوارض، اصلاح نظام تجاری، تشکیل حساب ذخیره ارزی و اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از مهمترین اقداماتی است که در دوران برنامه سوم صورت پذیرفت.

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸) بعد از برنامه سوم تدوین شده است. این برنامه همزمان با دوره



و فور درآمدهای نفتی می‌باشد که در بخش دوم شرح داده شد. از ویژگی‌های این برنامه، گنجانده شدن برنامه میان‌مدت در چهارچوب چشم‌انداز بلندمدت بیست ساله کشور است. تدوین‌گران این برنامه معتقدند در برنامه‌ریزی این برنامه بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۴ در نظر گرفته شده و با توجه به اهدافی که برای این بازه ده ساله در نظر گرفته شده این برنامه چیده شده است. سند برنامه چهارم توسعه با چهار هدف کلی توسعه دانش‌پایه، عدالت محور و در تعامل باجهان؛ تأمین مطمئن امنیت ملی و بازدارندگی همه‌جانبه؛ صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی؛ حاکمیت مؤثر و استقرار دولت شایسته تدوین شده است. به‌طور کلی، بلندپروازانه بودن اهداف برنامه چهارم همانند برنامه‌های پیشین همچنان مشهود است، به‌طوری که مقایسه عملکرد و اهداف پیش‌بینی شده برنامه نشان می‌دهد که میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در سه سال نخست برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۶)، حدود ۶/۳ درصد بوده است که از متوسط رشد سالانه مورد نظر برنامه (۷/۴ درصد) حدود ۱/۱ واحد درصد کمتر است.

به‌طور مختصر می‌توان گفت افزایش وابستگی به درآمدهای در حال نوسان حاصل از فروش نفت خصوصیت مشترک تمام برنامه‌های توسعه در کشور می‌باشد. بنابراین موفقیت هدف‌های توسعه به سطح درآمدهای نفتی وابسته است. لذا به دلیل نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی با وجود اینکه رشد اقتصادی نخستین هدف برنامه‌های توسعه بوده است، این برنامه‌ها حتی در تأمین رشد اقتصادی پایدار نیز چندان موفق نبوده‌اند.

#### ۴. مطالعات تجربی

در سال‌های اخیر، تغییرات عمده‌ای در تفکرات اقتصاددانان درباره علل رشد اقتصادی صورت گرفته است که می‌توان به مطالعه ماهیت و نقش نهادها شامل قوانین و مقررات و دیگر اجزای آن در فرآیند رشد اقتصادی اشاره کرد. این توجه باعث احیای مجدد مکتب نهادگرایی و بنای اقتصاد نهادگرایی جدید شد. در این راستا، کار نورث و توماس (۱۹۷۳) را می‌توان یکی از تحقیقات پیشروی دانست که در آن به نقش نهادها

به‌عنوان شرط لازم برای رشد اقتصادی اشاره شده است. در این باره مطالعات تجربی زیادی انجام شده است. از جمله کارهای بسیار مهم اخیر در زمینه تأثیر عواملی چون قوانین و نهادها و سیاست‌های اقتصادی کارها و مطالعات آسم‌اوغلو و دیگران<sup>۱</sup> و رادریک<sup>۲</sup> و هاسمن، پریچت و رادریک<sup>۳</sup> است. در این مطالعات با تمرکز بر نهادها و تمایز بین سیاست‌ها و نهادها به بررسی نقش نهادها و سیاست‌ها بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. در این خصوص هدف آنها از نهادها عمدتاً حقوق مالکیت، قوانین و مقررات، اعتماد بین افراد و ترتیبات اجتماعی دیگر اذعان شده است. هال و جونز<sup>۴</sup> و آسم‌اوغلو<sup>۵</sup> در تحقیقات خود نشان دادند، که نهادها مؤلفه‌ای مهم در رشد بلندمدت و ثروت هستند. کشورهایی که نهادهای سیاسی و اقتصادی بهتری در گذشته داشته‌اند، امروزه کشورهایی ثروتمند هستند.

هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) در مقاله خود تحت عنوان شتاب رشد اعتقاد دارند که در مدل‌های رشد برونزا و درونزا اگر علاقه‌مند به شناسایی متغیرهای اساسی مؤثر بر رشد هستیم باید در جستجوی عوامل تغییر در زمان شتاب رشد باشیم. به عبارت دیگر باید به دنبال شناسایی نقاط چرخش در تجربه رشد باشیم. آنها با این رویکرد و آمار جدول جهانی پن در سال‌های ۱۹۵۷ الی ۱۹۹۷ حداقل یک شتاب رشد را در دوره ۳۵ ساله ۱۹۵۷ الی ۱۹۹۷ تجربه کردند. پس از شناسایی شتاب‌های رشد آنها متغیرهای توضیحی رشد را به سه دسته شوک‌های خارجی، تغییر سیاسی و اصلاحات اقتصادی تقسیم کردند و با یک تحلیل آماری رابطه بین شتاب‌های رشد و عوامل تعیین‌کننده بالقوه را انجام دادند. نتایج آنها بازگوکننده این موضوع مهم است که شتاب‌های رشد عمدتاً ناشی از دلایل غیرمتعارف است. سپس با تحلیل پروبیت و توبیت با معرفی متغیر مجازی در نزدیکی زمان وقوع شتاب رشد یک و در غیر این صورت صفر در قالب متغیرهای توضیحی یاد شده نتیجه گرفتند که اکثر شتاب‌های رشد بعد یا همزمان با تغییرات عمده در سیاست‌های اقتصادی، ترتیبات نهادی، شرایط سیاسی یا شوک‌های خارجی اتفاق نیفتاده است. همچنین عوامل متعارف از نظر آماری بر زمان وقوع رشد اثر می‌گذارند، اما به‌طور کلی این عوامل تعیین‌کننده در پیش‌بینی

1- Acemoglu et al (2001,2002).

2- Rodrik, D. (2004).

3- Hausmann and Pritchett & Rodrik. (2005).

4- Hall & Jones (1999).

5- Acemoglu (2001).

نقطه آغاز رشد، عملکرد ضعیفی دارند و شتاب‌های رشد عمدتاً ناشی از عوامل غیرمتمعارف و تغییرات در مقیاس‌های کوچک اتفاق می‌افتند. جانکوو، مکلیش و رامالهو<sup>۱</sup> در تحقیقی تحت عنوان مقررات و رشد در پی پاسخ به این سؤال مهم اقتصاد که «چرا برخی کشورها رشد سریع‌تری نسبت به سایر کشورها دارند» و توجه به این مطلب که حل این معما، استاندارد زندگی نسبت قابل توجهی از جمعیت دنیا را بهبود می‌بخشد، هستند. آنها تأثیر قوانین حاکم بر فعالیت تجاری در ۱۳۵ کشور را بر رشد اقتصادی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کشورهای با مقررات بهتر رشد سریع‌تری از کشورهای با مقررات دست و پا گیر دارند. همچنین نتیجه گرفتند، بهبود مقررات تجاری از بدترین حالت موجود به بهترین حالت موجود باعث افزایش ۲/۳ درصد رشد سالانه می‌شود.

جلیلیان، کرکپاتریک و پارکر<sup>۲</sup> در تحقیقی تحت عنوان «اثر مقررات بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه» به بررسی نقش رژیم نظارتی مؤثر در ارتقای رشد اقتصادی و توسعه پرداختند. آنها این موضوع را از طریق کیفیت و ظرفیت حمایتی مؤسسات نظارتی مورد بررسی قرار دادند. محققان مذکور با بررسی نقش مقررات بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل اقتصادسنجی بدین نتیجه رسیدند که بر اساس دو روش متفاوت تخمین، ارتباط علی قوی بین کیفیت نظارتی و عملکرد اقتصادی وجود دارد.

نتایج برخی مطالعات تجربی در خصوص الگوهای تجربی رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات سال‌های قبل در ایران عمدتاً متکی بر عوامل استاندارد رشد اقتصادی همانند سرمایه فیزیکی، نیروی کار و غیره بوده ولی در سال‌های اخیر عوامل نهادی همچون نهاد دولت، سرمایه‌های اجتماعی نیز به دایره مطالعات تجربی ایران اضافه شدند. اما در این راستا شاخص‌های متنوعی همانند مطالعات سطح بین‌الملل و همچنین روش‌های متعددی برای بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در ایران انتخاب شده است. به عنوان مثال مطالعات رحمانی و دیگران (۱۳۸۵ و ۱۳۸۶) و مطالعه صفدری و دیگران (۱۳۸۷) و رنانی و دیگران (۱۳۸۷) از شاخص‌های متفاوتی برای بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی بر رشد استفاده کردند. همان‌طور که اشاره

1- Djankov, McLiesh & Ramalho (2006).

2- Jalilian, Kirkpatrick & Parker. (2000).

شد. مفهوم سرمایه اجتماعی یک مفهوم گسترده است که از مؤلفه‌های مختلفی مانند اعتماد، هنجارها و غیره تشکیل شده است که به منظور بررسی دقیق‌تر سرمایه اجتماعی بر روی اقتصاد باید هر یک از این مؤلفه‌ها را به صورت جداگانه بررسی کرد. به این منظور در مقاله رحمانی و دیگران (۱۳۸۶) به بررسی اثر اعتماد بر روی رشد اقتصادی که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد، پرداخته می‌شود. در این مقاله با مروری کوتاه بر مفهوم اعتماد و نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی به یک مدل تعمیم‌یافته رشد دربردارنده اعتماد اشاره می‌گردد. سپس با استفاده از اطلاعات پیمایش‌های دفتر طرح ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز آمار ایران و بانک مرکزی و بر اساس مدل‌های رشد اقتصادی تأثیر اعتماد بر رشد در ۲۸ استان کشور مورد بررسی قرار گرفته است. برای تخمین مدل ۲۸ استان کشور طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ از روش اقتصادسنجی فضایی و نرم‌افزار مت لب کمک گرفته شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با ورود متغیر پرونده‌های مختومه چک بلامحل که شاخصی برای بیان کاهش اعتماد به افراد جامعه به خصوص کاهش اعتماد در تعاملات اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، قدرت توضیح‌دهندگی مدل به میزان ۰/۰۴ افزایش می‌یابد و نتیجه گرفته می‌شود که این متغیر دارای تأثیر منفی و معنی‌داری بر روی رشد اقتصادی می‌باشد؛ به این ترتیب بیان‌کننده اثر مثبت اعتماد بر روی رشد اقتصادی می‌باشد.

در مطالعه دیگری امیری و رحمانی (۱۳۸۵) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲ پرداخته است. در بررسی آنها این نتیجه حاصل شده که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با افزایش تعاملات باعث افزایش اعتماد و کاهش هزینه‌های مبادلاتی از جمله رانت‌جویی می‌شود که از این طریق اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و همچنین با توجه به محدود بودن زمان افراد برای تعاملات اجتماعی، تعاملات اجتماعی درون‌گروهی و ارتباطات محدود با دوستان و خانواده به علت اینکه اثر منفی بر تعاملات اجتماعی برون‌گروهی و تعامل افراد با خارج از محیط بسته دارد، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. با بررسی تجربی مدل در استان‌های کشور این نتیجه حاصل شده که مدل به انتخاب شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و درون‌گروهی حساس است و اگر تعاملات برون‌گروهی افراد به وسیله متوسط درصد عضویت افراد در

هریک از انجمن‌ها و گروه‌ها در مراکز هر استان بیان شود، اثر مثبت بر رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی اثر منفی دارد، ولی اگر معیار سرانه تعداد سازمان‌ها و انجمن‌ها در مراکز هر استان به‌عنوان شاخص تعاملات برون‌گروهی افراد در نظر گرفته شود، به نظر این معیار نمی‌تواند بیانگر تمام تغییرات سرمایه اجتماعی برون‌گروهی باشد که در اینجا سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و درون‌گروهی اثر مثبت دارد.

صمدی (۱۳۸۷) در مطالعه خود به بررسی تأثیر حفاظت از حقوق مالکیت (به‌عنوان یک نهاد مهم اقتصادی) بر رشد اقتصادی ایران پرداخته است. برای رسیدن به این هدف از یک الگوی رشد درونزای سازگار با شرایط اقتصاد ایران استفاده نموده است. الگوی مورد نظر با استفاده از داده‌های دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۱ و با روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای (TSLS) برآورد شده است.

نتایج آزمون همجمعی‌گری گوری - هانسن، رابطه علی بلندمدت بین متغیرهای الگو (با در نظر گرفتن متغیرهای نماینده حفاظت از حقوق مالکیت و بدون آنها) را نشان می‌دهد و این نتیجه حکایت از تأثیر بلندمدت حفاظت از حقوق مالکیت و سایر متغیرهای الگو بر تولید واقعی ایران دارد. نتایج تخمین‌ها بدون در نظر گرفتن متغیرهای حفاظت از حقوق مالکیت، نشان داد که تنها حجم سرمایه و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند و تعداد شاغلین و سرمایه انسانی تأثیر معناداری نشان نمی‌دهند. نتایج تخمین‌ها با در نظر گرفتن متغیرهای جانشین حفاظت از حقوق مالکیت در اقتصاد ایران نشان داد که حفاظت از حقوق مالکیت تأثیر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی ایران نشان می‌دهد و بنابراین عامل مهمی در فرآیند رشد اقتصادی تلقی می‌شود. همچنین ورود این متغیرها به معادله، وضعیت معناداری سایر متغیرها را نیز بهبود بخشیده است. نتایج مطالعه وی اشاره بر این دارند که بهبود کیفیت نهادها از جمله بهبود وضعیت حفاظت از حقوق مالکیت تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی ایران خواهد داشت. وی اشاره می‌کند که هرچند نتایج این مطالعه را باید با دیده احتیاط نگریست، اما واضح است که تحلیل‌های نهادی - به‌عنوان یک تحلیل مکمل - در تحلیل مسائل اقتصاد ایران کمک شایان توجهی خواهد کرد و در بررسی موانع رشد اقتصادی ایران، باید به موانع نهادی در کنار سایر موانع توجه کرد. در این راستا، یکی از راهکارهای افزایش تولید و تسریع رشد اقتصادی ایران، تعریف دقیق حقوق مالکیت افراد و افزایش میزان حفاظت از آنها

و توجه بیش از پیش به حقوق مالکیت افراد است. چنین توجهی به اثرگذاری بیشتر سایر متغیرهای اقتصادی نیز منجر خواهد شد.

مروری بر نتایج مطالعات موجود درباره رشد اقتصادی ایران حاکی از طیف گسترده‌ای از مطالعات می‌باشد که در دوره‌های زمانی مختلف و روش‌های متفاوت اقتصادسنجی انجام یافته است. در مورد تأثیر علل مستقیم (یا آشکار) بر فرآیند رشد اقتصادی اتفاق نظری وجود ندارد. تأثیر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه انسانی، مالیات‌ها، صادرات غیرنفتی، توسعه مالی و به‌طور کلی سیاست‌های پولی و مالی و تجاری، تورم، توزیع درآمد و آموزش بر رشد اقتصادی ایران مبهم (گاهی مطابق با نظریه‌های اقتصادی و گاهی مخالف آنها) است. برخی اتفاق نظرها در بین محققین، درباره تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متنوع‌سازی صادرات، واردات، مخارج تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انرژی و تأثیر منفی نرخ ارز و سیاست‌های ارزی، بی‌ثباتی درآمدهای ناشی از صادرات و جمعیت بر رشد اقتصادی و همچنین درباره «موانع نهادی» بوده است. نکته با اهمیت دیگر این است که برخی از محققین، قابلیت کاربرد الگوهای رشد درونزا در اقتصاد ایران را زیرسؤال برده‌اند، در حالی که بخش اعظم مطالعات انجام شده بر اساس این الگو صورت گرفته است و تنها در مطالعات اندکی از سایر الگوها استفاده شده است. این یافته‌های تجربی روشن می‌سازند که تنها با تکیه بر نظریه‌های اقتصادی و بدون توجه به مسائل نهادی، نمی‌توان مسائل و مشکلات اقتصاد ایران را تحلیل کرد و رشد اقتصادی نهادهای ویژه خویش را می‌طلبد که در صورت فراهم نشدن چنین زیرساختی، سرمایه‌های فیزیکی منتج از درآمدهای نفتی و انسانی نمی‌توانند رشد قابل توجهی را تضمین کنند.

## ۵. برآورد مدل و تفسیر نتایج

در این قسمت به منظور بررسی آثار قوانین برنامه بر شتاب رشد ابتدا با استفاده از مطالعه هاسمن، پریتچت و رادریک (۲۰۰۵) زمان‌های وقوع شتاب رشد در ایران را طی سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۸۶ استخراج می‌کنیم. سپس قبل از بررسی مشروح با استفاده از تحلیل‌های رگرسیونی، متغیرهای دارای

همبستگی با رشد را در خلال دوره‌های گذار تعیین می‌نماییم. در ادامه قابلیت توضیح سه متغیر شوک‌های خارجی، تغییرات سیاسی و اصلاحات اقتصادی در قالب قوانین برنامه‌های عمرانی و توسعه را در توضیح رشد اقتصادی ایران مشخص می‌کنیم. در نهایت با استفاده از مدل‌های احتمالی پروبیت، لاجیت و گامپیت و در نظر گرفتن زمان‌های وقوع شتاب‌های رشد این پرسش را مطرح می‌کنیم که تا چه اندازه متغیرهای توضیحی در پیش‌بینی زمان وقوع شتاب‌های رشد خوب عمل می‌کنند.

#### ۱-۵. محاسبه و برآورد دوره‌های شتاب رشد اقتصادی ایران

همان‌طور که اشاره شد در این بخش یک فیلتر مطابق مطالعه هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) برای شناسایی شتاب‌های رشد در ایران معرفی می‌شود. این فیلتر شامل سه شرط زیر است که در آن  $g_{t,t+n}$  نرخ رشد در زمان  $t$  برای افق زمانی  $n$ ،  $\Delta g_{t,n}$  تغییر در نرخ رشد در افق زمانی  $n$  و  $y$  تولید ناخالص داخلی سرانه می‌باشد:

$$1) \quad g_{t,t+n} \geq 3.5 \text{ درصد در سال}$$

$$2) \quad \Delta g_{t,m} \geq 2 \text{ درصد در سال}$$

که البته این معیار اختیاری است. متوسط رشد تولید در یک دوره بعد بیش از رشد تولید در اوج دوره قبل.

$$3) \quad y_{t+n} \geq \max\{y_i\}, i \leq t \text{ درصد در سال}$$

برای ایران افق زمانی را ۵ سال و یا کمتر در نظر می‌گیریم؛ یعنی  $n$  برابر ۴ است این افق در مطالعه هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) اختیاری عنوان شده است. در این مطالعه با توجه به اینکه اکثر برنامه‌های توسعه و عمرانی ایران ۵ ساله بودند افق زمانی ۵ در نظر گرفته شد که در صورت کاهش آن تعداد دوره‌های شتاب رشد افزایش می‌یابد. مطابق ۳ شرط فوق زمان آغاز شتاب رشد در ایران مورد ارزیابی قرار گرفت. در این باره هر اقتصادی می‌تواند بیش از یک دوره شتاب رشد داشته باشد به شرط آنکه فاصله بین آنها بیش از ۵ سال باشد. اگر تعداد دوره‌های شتاب زیاد باشد، بدین مفهوم است که

شتاب‌های رشد با تغییرات جزئی ایجاد می‌شوند. مطابق شروط یاد شده و دوره ۵ ساله ۲ شتاب رشد در ایران مشهود است که اگر افق زمانی به ۳ سال کاهش یابد تعداد آغاز شتاب‌های رشد در ایران به ۴ شتاب و اگر افق زمانی به ۸ سال افزایش یابد به یک دوره آغاز شتاب رشد می‌رسیم.<sup>۱</sup> مطابق  $n=4$  ایران در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۸۲ یعنی در برنامه عمرانی سوم قبل از انقلاب و برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب با شتاب رشد مواجه شده است. در برنامه سوم عمرانی نکات زیر به وقوع پیوسته است. ادغام کامل سازمان برنامه در دولت و همچنین این سازمان از مسئولیت اجرای طرح‌های عمرانی کنار رفت و نقش مهم‌تری که مدیریت امور اقتصادی کشور است را به عهده گرفت.<sup>۲</sup> همان‌گونه که در بخش دوم و سوم شرح داده شد برنامه سوم توسعه از جمله برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب بوده که با رویکرد اصلاحات اقتصادی در حوزه نظام تجاری، بازار ارز، بازار پول، مالیات‌ها و بازار کار تصویب و اجرا شد.

برای پایداری و غیرپایداری رشد، هاسمن و همکاران (۲۰۰۵) مقدار ۲ درصد را به‌عنوان حد آستانه قرار دادند ولی ما در این مطالعه با توجه به موضوع همگرایی در الگوهای رشد و ویژگی در حال توسعه بودن ایران و

۱- اگر افق زمانی ۳ سال انتخاب شود آغاز شتاب رشد ایران به سال‌های ۱۳۴۴، ۱۳۴۸، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۲ یعنی همزمان با برنامه‌های عمرانی دوم و سوم قبل از انقلاب و برنامه اول و سوم توسعه بعد از انقلاب مربوط می‌شود. حال اگر افق ۸ ساله انتخاب شود ایران فقط در سال ۱۳۵۲ با آغاز شتاب رشد مواجه بوده است. ولی همان‌طور که اشاره شد با توجه به رویکرد برنامه‌های توسعه ایران در این مطالعه ما دوره ۵ ساله را مدنظر قرار دادیم.

۲- اهداف عمده برنامه: ۱. ایجاد و توسعه صنایعی که حداکثر افزایش درآمد را تأمین نمایند. ۲. ایجاد مقدمات برای ایجاد صنایع ذوب آهن، پتروشیمی، ماشین‌سازی، آلومینیوم، تراکتورسازی و لوله‌سازی. ۳. گسترش امکانات زیربنایی و گسترش آموزش و پرورش و خدمات بهداشتی. ۴. برنامه سوم در سه سطح کلان، بخش‌ها و طرح‌ها تهیه شده بود که در سطح کلان هدف اصلی برنامه دستیابی به رشد اقتصادی ۶ درصد در سال تعیین شده بود. هدف‌های ثانویه اشتغال، توزیع عادلانه‌تر درآمد و ایجاد امکانات لازم برای به کار گرفتن استعدادها فردی بود. نکته مهم اینکه اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۱ به مورد اجرا گذاشته شد جزء برنامه نبود. اصلاحات ارضی نیروهای لازم برای فعالیتهای اقتصادی در صنعت و لذا زمینه توسعه صنعتی ایران را فراهم کرد (توفیق، ۱۳۸۵، صص ۵۵ و ۵۶ و بهشتی، ص ۱۹۷).



همچنین با توجه به اندازه رشد بلندمدت کشور در نیم قرن اخیر مقدار ۲/۵ درصد را حد آستانه قرار دادیم. مطابق این معیار از دو دوره آغاز شتاب رشد به دست آمده با توجه به نرخ‌های رشد ۵ سال قبل از آغاز شتاب رشد و ۵ سال بعد از آن، تعداد ۱۴ مورد رشد سریع، ۲ مورد رشد آرام و صفر مورد رشد منفی حاصل شده است. در این باره در خصوص آغاز شتاب رشد سال ۱۳۴۶ ایران در قبل آن هم دارای رشد سریع بوده و این رشد سریع در سال‌های بعد از سال مزبور نیز ادامه یافته است. اما در دوره دوم که مربوط به سال ۱۳۸۲، است، اقتصاد ایران با رشد آرام شروع نموده و به دنبال آن به رشد سریع رسیده است. این موضوع حاکی از این است که الگوی آغاز دو شتاب رشد ایران متفاوت از یکدیگر است.

قبل از بررسی مشروح و استفاده از تحلیل‌های رگرسیونی طرح این سؤال که چه عواملی با آغاز شتاب رشد ارتباط پیدا می‌کنند بسیار مهم و مناسب است. پاسخ به این سؤال با نگاهی به متوسط مقدار برخی متغیرها در دامنه دوره گذار، که در اینجا سال‌های  $t-1$ ،  $t$ ،  $t+1$  نامیده می‌شوند - یعنی زمان وقوع شتاب رشد و مقایسه آن با مقدار متغیرهای مشابه در ۴ سال گذشته و آینده - مشخص می‌شود. به عبارت دیگر با این روش این موضوع مطرح می‌شود که آیا تغییرات در متغیر به شکل معنی‌داری با صفر تفاوت دارد یا خیر؟ جنبه دیگری که می‌توانیم آن را بررسی کنیم این است که متغیرهای دارای همبستگی با رشد در خلال یک دوره گذار که در آن ما متوسط یک دوره ۴ ساله از آغاز شتاب رشد را با ۴ سال قبل در نظر می‌گیریم کدام یک می‌باشند. نتیجه هر دو حالت در جدول زیر ارائه شده است. در این باره ما ارتباط آغاز شتاب رشد را در دو حالت با متغیرهای سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، درجه باز بودن اقتصاد، تورم، نرخ ارز و رابطه مبادله مورد بررسی قرار دادیم. مطابق جدول ۱ نتیجه گرفته می‌شود که شتاب‌های رشد در حالت اول با افزایش در نسبت واردات به میزان ۰/۹۶ تطابق دارد. یعنی شتاب رشد با واردات رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. با دیگر متغیرها رابطه معنی‌داری در این حالت ندارد. این نتیجه مؤید این واقعیت است که شتاب رشد در اقتصاد ایران در زمان حل بحران‌های اقتصاد کلان بوده است.

## جدول ۱- همبستگی با شتاب‌های رشد اقتصادی

عنوان	رابطه مبادله	صادرات به تولید	صادرات و واردات به تولید	تورم	سرمایه‌گذاری به تولید	نرخ ارز واقعی	واردات به تولید
مقدار	۰/۳۶۲۴۲۱	۰/۱۲۵۴۱۱	۰/۱۵۶۲۸۷	۰/۰۲۴۱۸۶	۰/۱۱۲۶۴۵	۰/۴۳۲۹۸۹	۰/۹۶۶۰۴۱
آماره ۴	۰/۶۷۳۵۲۱	۰/۲۱۸۹۴۷	۰/۲۷۴۰۶۴	۰/۰۴۱۹۰۴	۰/۱۹۶۳۵۶	۰/۸۲۱۹۹۵	۶/۴۷۵۶۸
p-value	۰/۵۴۸۹	۰/۸۴۰۷	۰/۸۰۱۸	۰/۹۶۹۲	۰/۸۵۶۹	۰/۴۶۶۴	۰/۰۰۷۵
تعداد	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
مقدار	۰/۵۳۶۵۳	۰/۷۱۶۷۷۴	۰/۷۸۳۷۱۹	۰/۱۹۸۸۵۸	۰/۷۲۳۲۳۱	۳/۱۹۳۷۱۴	۰/۸۱۵۹۸۳
آماره ۴	۱/۶۸۲۱۳۸	۲/۷۱۹۶۱۶	۳/۳۳۸۳۹۳	-/۰۵۳۶۸۵	۲/۷۷۰۷۳۵	۳/۷۳۴۶۰۸	۳/۷۳۴۶۰۸
p-value	۰/۱۳۶۴	۰/۰۲۹۸	۰/۰۱۲۴	۰/۰۶۰۸	۰/۰۲۷۷	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۷۳
تعداد	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹

مأخذ: محاسبات محقق

در حالت دیگر اگر به جای زمان آغاز شتاب رشد متغیرهای یاد شده را برای یک دوره شتاب ۵ ساله در مقابل زمان آغاز فرآیند شتاب رشد در نظر بگیریم، بجز رابطه مبادله و تورم با دیگر متغیرها رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. در این باره ضریب همبستگی نسبت صادرات، درجه باز بودن اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری و نرخ ارز واقعی با شتاب رشد رابطه مثبت و معنی‌دار دارد اما رابطه مبادله در زمان شتاب رشد معنی‌دار نمی‌باشد، اگر چه تخمین و برآورد حاصل شده مثبت است. این مهم در خصوص تورم نیز مثبت است ولی از نظر آماری بی‌معنی است.

این نتایج دلالتی بر رابطه علت و معلولی بین این متغیرها و شتاب رشد ندارند. اما این موضوع که شتاب رشد نیازمند سرمایه‌گذاری، صادرات و نرخ ارز رقابتی بیشتر است از نتایج مهم این محاسبات است. بدین ترتیب می‌توان گفت که شتاب رشد نه تنها به دلیل افزایش در بهره‌وری کل عوامل تولید و یا

افزایش در ظرفیت واردات بلکه به دلیل افزایش در صادرات و سرمایه‌گذاری و رقابتی شدن ارز نیز اتفاق می‌افتد.

## ۲-۵. برآورد نقش متغیرهای توضیحی در شتاب رشد اقتصادی در ایران

همان‌طور که ذکر شد در ادبیات رشد اقتصادی، کاوش علل ایجاد رشد اقتصادی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و از سرمایه فیزیکی و نیروی کار شروع شده و به مواردی همچون هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی، تکنولوژی و نهادها و قوانین و مقررات و به عبارتی سرمایه‌های اجتماعی به عنوان عوامل تعیین‌کننده رشد تعمیم یافته است. با این وصف و نیز با توجه به آنچه در قسمت مطالعات تجربی شرح داده شد در ادامه مطالعه این سؤال را مطرح می‌کنیم که تا چه اندازه متغیرهای توضیحی در توضیح رشد خوب عمل می‌کنند؟ برای این منظور تحلیل را بر سه نوع تخمین زنده توضیحی متمرکز می‌کنیم که با موارد زیر مرتبط است:

شوکه‌های خارجی

اصلاحات اقتصادی داخلی

شرایط سیاسی

متغیرهای توضیحی را به سه گروه تقسیم می‌کنیم:

الف) شوکه‌های خارجی (DTOT): در این باره از متغیر رابطه مبادله استفاده نمودیم به گونه‌ای که از سال  $t$  یعنی زمان آغاز شتاب رشد تا  $t+4$  را یک و برای سایر سال‌ها عدد صفر را منظور نمودیم. هدف ما در اینجا گرفتن حذف اثر شوکه‌های خارجی بوده است. در این خصوص می‌توانستیم از متغیرهای مربوط به جریان ورود و خروج سرمایه استفاده کنیم، اما چون این چنین جریان‌هایی درونزا نیز می‌باشند و باعث ایجاد مشکل در استنتاج علت و معلولی می‌شد از آنها استفاده نشد.

ب) تغییرات سیاسی (DENDWAR): در این خصوص از متغیر مجازی پایان جنگ و انقلاب استفاده نمودیم. به عبارت دیگر برای دوره پایان جنگ و انقلاب یک و برای سال‌های جنگ و انقلاب عدد صفر را قرار دادیم.

ج) اصلاحات اقتصادی (ECONLIB): شاید یکی از مهمترین عوامل تعیین

کننده بالقوه تحقیق ما تغییر در قوانین اقتصادی باشد که باعث رشد اقتصادی می‌شود. در این مطالعه به منظور بررسی نقش اصلاحات اقتصادی از حرکت به سمت باز نمودن و آزادسازی اقتصاد استفاده نمودیم. بدین ترتیب در خلال سال‌هایی که اقتصاد به سمت باز شدن اقتصاد حرکت نموده یک و سایر سال‌ها را صفر قرار دادیم. این سه دسته از متغیرهای توضیحی تا حدودی می‌توانند گذارهای رشد را پیش‌بینی کنند. متغیر وابسته نرخ رشد اقتصادی می‌باشد. نتایج تخمین به روش OLS در جدول ۲ آمده است. مطابق این برآورد این طور می‌توان نتیجه گرفت که رابطه رشد اقتصادی با رابطه مبادله در ایران معنی‌دار نیست. نتایج تخمین مؤید تطابق شتاب‌های افزایش رشد با اصلاحات اقتصادی و یا شرایط مناسب اقتصادی و خلاصی از شوک است که البته نقش پایان شوک‌ها به مراتب مهمتر از اصلاحات اقتصادی بوده است.

جدول ۲- قابلیت توضیح رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۶

متغیر	ضریب	آماره t
شوکه‌های خارجی	۰/۲۹۱۱۴۱	۰/۱۶۵۶۶۷
تغییرات سیاسی	۷/۹۷۵۱۸۵	۲/۸۱۷۲۷۵
اصلاحات اقتصادی	۴/۱۹۱۱۴۱	۲/۱۰۷۹۴۶
R-squared	۰/۴۴۲۳۰۷	-

منبع: محاسبات محقق

### ۳-۵. تخمین و تفسیر بر اساس مدل‌های احتمال

در ادامه به منظور تحلیل آماری مفصل‌تر و برای مشخص کردن قدرت نتایج قبل از تحلیل‌های پروبیت (Probit) و لاجیت (Logit) و گامپیت (Gompit) استفاده می‌کنیم. در بیشتر مدل‌های اقتصادی، متغیرهای مجازی در سمت راست معادلات ظاهر می‌شوند. ولی در بسیاری موارد ممکن است با مدل‌هایی که متغیر وابسته آنها کیفی باشد و فقط صفر و یک را اختیار کند، مواجه باشیم. این مدل‌ها در ادبیات اقتصادسنجی به‌عنوان مدل‌های با متغیر وابسته

کیفی<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند. یکی از کاربردهای این روش به‌کارگیری آن در مدل‌های رشد اقتصادی در ادبیات تجربی اقتصاد در سال‌های اخیر می‌باشد. همان‌طور که در قسمت مبانی نظری مطالعه آمد مطابق مطالعه هاسمن، پریتچت و رادریک (۲۰۰۵)، از لحاظ نظری الگوهای متعارف رشد اقتصادی برونزا و درونزا باید توان پاسخگویی به تغییر مکان روند رشد در کشف رابطه رشد و متغیرهای کلان اقتصادی را داشته باشند (نمودار ۱) و اگر در این خصوص آمار و اطلاعات بدون توجه به چرخش مورد بررسی قرار گیرند اطلاعات درستی برای درک موضوع نمی‌یابیم. برای استفاده از یک الگو در این تحقیق از روش هاسمن، پریتچت و رادریک (۲۰۰۵) استفاده می‌کنیم.

در این‌باره متغیر وابسته ما یک متغیر مجازی است که در نزدیکی زمان وقوع شتاب رشد یک و در غیر این صورت برابر صفر است. متغیرهای توضیحی مدل نیز شامل دو دسته متغیرهای توضیحی اشاره شده در قبل هستند. رویکرد برای تخمین پارامترهای مجهول در چنین مواردی در قالب مدل‌های احتمال<sup>۲</sup> خواهد بود. ساده‌ترین روش در این‌باره انتخاب مدل احتمال خطی (LPM) است که دارای نقایصی همچون ناهمسانی واریانس جملات اختلال هستند که البته با برخی روش‌ها همانند روش FGLS می‌توان آن را بر طرف کرد. مشکل دیگر این است که چون متغیر از جنس احتمال است هیچ تضمینی جهت برآزش رگرسیون در دامنه صفر و یک وجود ندارد. بنابراین تحت چنین شرایطی از دو تابع توزیع نرمال و لجستیک استفاده می‌شود.

---

1- Qualitative Dependent Variable Model

2- Probability Model

## جدول ۳- نتایج تخمین به روش مدل‌های احتمال برای شتاب رشد اقتصادی

عنوان	لاجیت	پروبیته	گامپیت
عرض از مبدأ	-۶/۳۹ (-۲/۳۵)	-۳/۸۳ (-۲/۶۰)	-۳/۳۵ (-۲/۱۷)
شوکه‌های خارجی	-۷/۹۳ (-۲/۱۳۳)	-۴/۷۱ (-۲/۲۴)	-۴/۵۵۹ (-۲/۰۱)
اصلاح اقتصادی	۹/۴۸ (۱/۱۷)	۵/۷۳۵۲ (۱/۸۸)	۵/۶۴۹ (۱/۷۵۲)
تعداد مشاهدات	۴۹	۴۹	۴۹
آماره LL	-۱۵/۱۶۱۰	-۱۴/۸۸۴۱	-۱۴/۴۸۳۶
آماره SBC	-۲۰/۹۹۸۷	-۲۰/۷۲۱۸	-
آماره AIC	-۱۸/۱۶۱۰	-۱۷/۸۸۴۱	-
مقدار عامل محاسبه اثر نهایی	۰/۶۹۵۳۳	۰/۱۳۲۶۰	-

در جدول فوق نتایج در قالب سه مدل لاجیت، پروبیته و گامپیت ارائه شده است. برای انتخاب مدل برتر بین مدل‌ها می‌توان مقدار ماکزیمم تابع LL و همچنین معیارهای شوارتز- بیزین و آکاییک را مبنا قرار داد. مقدار توابع LL، SBC، AIC همگی مؤید برتری مدل لاجیت است. نتایج همه مدل‌ها از جمله مدل لاجیت نشان می‌دهند که در اقتصاد ایران شوک‌های خارجی تأثیر منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار بر وقوع شتاب‌های رشد اقتصاد ایران دارند. اصلاحات اقتصادی از طریق قوانین برنامه‌های توسعه که مطابق این مطالعه مصادف با برنامه سوم عمرانی قبل انقلاب و برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب منجر به وقوع شتاب رشد در اقتصاد ایران شده است حاکی از تأثیر مثبت بر وقوع شتاب‌های رشد داشته است. ولی این متغیر در سطح کمتر از ۹۵ درصد معنی‌دار است و این موضوع در همه مدل‌ها مصداق دارد.

## ۶. نتایج

در این پژوهش به بررسی آثار قوانین و مقررات بر شتاب رشد اقتصادی پرداخته شد. در این راستا مطابق مطالعه هاسمن، پریچت و رادریک (۲۰۰۵) یک فیلتر شناسایی

شتاب‌های رشد در ایران معرفی شد و با بررسی شروط وقوع شتاب رشد مشخص شد که در دو مقطع از زمان در نیم قرن اخیر اقتصاد ایران با لحاظ دوره زمانی ۵ ساله با آغاز شتاب رشد مواجه بوده است. این زمان‌ها مربوط به سال ۱۳۴۶ یعنی زمان اجرای برنامه سوم عمرانی قبل انقلاب و سال ۱۳۸۲ یعنی زمان اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب بوده است.

با بررسی همبستگی بین زمان آغاز رشد و متوسط دوره ۴ ساله قبل از آن در دو حالت با متغیرهای سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، درجه باز بودن اقتصاد، تورم، نرخ ارز و رابطه مبادله، در حالت اول نتیجه گرفته شد که شتاب رشد با واردات رابطه مثبت و معنی‌دار دارد و با دیگر متغیرها رابطه معنی‌داری در این حالت ندارد. این نتیجه مؤید این واقعیت است که شتاب رشد در اقتصاد ایران در زمان حل بحران‌های اقتصاد کلان بوده است. در حالت دوم به جای زمان آغاز شتاب رشد متغیرهای یاد شده را برای یک دوره شتاب ۵ ساله در مقابل زمان آغاز فرآیند شتاب رشد در نظر گرفتیم، در این حالت بجز رابطه مبادله و تورم، شتاب رشد با دیگر متغیرها رابطه مثبت و معناداری دارد. در این باره ضریب همبستگی نسبت صادرات، درجه باز بودن اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری و نرخ ارز واقعی با شتاب رشد رابطه مثبت و معنی‌دار دارد اما رابطه مبادله در زمان شتاب رشد معنی‌دار نمی‌باشد، اگر چه تخمین و برآورد حاصل شده مثبت است. این مهم در خصوص تورم نیز مثبت است ولی از نظر آماری بی‌معنی است. بدین ترتیب می‌توان گفت که شتاب رشد نه تنها به دلیل افزایش در بهره‌وری کل عوامل تولید و یا افزایش در ظرفیت واردات بلکه به دلیل افزایش در صادرات و سرمایه‌گذاری و رقابتی شدن ارز نیز اتفاق می‌افتد. اما این نتایج دلالتی بر رابطه علت و معلولی ندارند.

در ادامه از مدل‌های پروبیت، لاجیت و گامپیت استفاده شد. در این خصوص متغیر وابسته ما یک متغیر مجازی است که در نزدیکی زمان وقوع شتاب رشد یک و در غیر این صورت برابر صفر است. متغیرهای توضیحی مدل نیز شامل دو دسته متغیرهای توضیحی اشاره شده یعنی اصلاحات اقتصادی و شوک‌های خارجی می‌باشند. نتایج حاصل از هر سه مدل نشان می‌دهند که در اقتصاد ایران شوک‌های خارجی تأثیر منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار بر وقوع شتاب‌های رشد اقتصاد ایران دارند. این موضوع را می‌توان از کانال وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از

صادرات نفت خام توضیح داد. همچنین این نتیجه حاصل شد که اصلاحات اقتصادی از طریق قوانین برنامه‌های توسعه - طبق این مطالعه برنامه سوم عمرانی قبل انقلاب و برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب منجر به وقوع شتاب رشد در اقتصاد ایران شده است - تأثیری مثبت بر وقوع شتاب‌های رشد داشته است ولی این متغیر در سطح کمتر از ۹۵ درصد معنی‌دار است. این موضوع در همه مدل‌ها مصداق دارد.



## منابع و مآخذ

## فارسی

- ۱- اولسون، منکور. (۱۳۷۵). خطابه‌ای عالی در مورد اقتصاد دولتی پول‌های هنگفت بر جای مانده در پیاده رو: چرا برخی کشورها ثروتمند و برخی کشورها فقیرند؟ (حمیدرضا برادران شرکا، مترجم). پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۹). سری زمانی حساب‌های ملی ایران ۱۳۳۸-۱۳۸۶ از سایت WWW.CBI.IR
- ۳- برگستروم، ویلی. (۱۳۷۸). دولت و رشد، (علی حیاتی، مترجم). تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۴- بهشتی، محمد باقر. (۱۳۷۸). تأثیر ارزیابی برنامه‌های گذشته در تدوین برنامه‌های آینده. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- ۵- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- ۶- توفیق، فیروز. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۷- جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۸۴). پیش‌بینی رشد اقتصادی سال‌های برنامه چهارم توسعه. مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۹.
- ۸- جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۸۵). اقتصاد فناوری اطلاعات و ارتباطات. تهران: نشر بازرگانی.
- ۹- جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۸۶). نیم قرن فراز و فرود رشد اقتصادی ایران. اقتصاد و جامعه. شماره ۱۳ و ۱۴.
- ۱۰- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۶۸). اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.

- ۱۱- رنانی، محسن. (۱۳۷۶). *بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۱۲- سازمان اصلاحات ارضی. (۱۳۴۵). *اصلاحات ارضی در ایران*. تهران: سازمان اصلاحات ارضی.
- ۱۳- صفدری، مهدی، محمدحسین، کریم، خسروی، محمدرسول. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران. *فصلنامه اقتصاد مقداری*. جلد، ۵ شماره ۱۷، ۳۹-۶۱.
- ۱۴- صمدی، علی حسین. (۱۳۸۷). حقوق مالکیت و رشد اقتصادی: تدوین یک الگوی رشد درونزا. *رساله دکتری*، گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- ۱۵- طبیبیان، محمد. (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به‌عنوان یک مانع توسعه. *مجله برنامه و توسعه*، شماره ۴.
- ۱۶- قالیباف، محمداقبر. (۱۳۸۸). *برنامه‌ای برای پیشرفت و عدالت (۱)*. تهران: مؤسسه اندیشه و عمل.
- ۱۷- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۸). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۷۲*: مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۱۸- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۶). *قانون کار جمهوری اسلامی ایران*: مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۹. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ۱۹- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۲). *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)*: مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۰- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۳). *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴-۱۳۸۸*: مصوب

- ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۱- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۴۳). *گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۲- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۱). *عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۳- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۴). *پیشینه برنامه‌ریزی در ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۴- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۷). *سابقه برنامه‌ریزی در ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۵- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۷). *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴-۱۳۷۸*: مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۶- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۷). *گزارشی از عملکرد برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۷- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۷۹). *عملکرد برنامه دوم و هدف‌های آینده اقتصاد کلان کشور و بخش‌های عمده اقتصادی - اجتماعی*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.

- ۲۸- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۸۴). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم توسعه، جلد اول. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۲۹- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. (۱۳۸۸). گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه سال اول برنامه چهارم توسعه. جلد اول. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- ۳۰- میر، جرالدم. (۱۹۹۴). *از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه*. (غلامرضا آزاد (ارمکی)، مترجم). تهران: نشرنی.
- ۳۱- نیلی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۱). خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران: دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف.
- ۳۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۸۳). ربع قرن نشیب و فراز: بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۸۲. تهران: انتشارات پایگان.
- ۳۳- هادی زنوز، بهروز. (۱۳۷۹). راهبردهای تجاری و توسعه صنعتی ایران در دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۷، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۶.

### انگلیسی

- 1- Acemoglu, Daron., Johnson, Simon & Robinson, James. (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. *The American Economic Review*, 91, (5), 1369-1401
- 2- Barro, R & I, Martin, Sala. (1995). *Economic Growth* Cambridge: MIT Press.
- 3- Ben-David, Dan, & Papell, David, H. (1998). Slowdowns and Meltdowns: Postwar Growth Evidence from 74 Countries. *Review of Economics and Statistics*, 80, 561-571.

- 4- Cheng. L.K. & Dinopoulos, Elias. (1992). Endogenous Growth in Open Economics, Schumpeterian Growth and International Business Cycles. *The American Economic Review*, 82(2), 409-423.
- 5- Djankov, Simeon., McLiesh, Caralee & Ramalho, Rita Maria. (2006). Regulation and growth. *Economics Letters*, 92, 395-401
- 6- Hall, Robert, E. & Jones, Charles, I .( 1999). Why do Some Countries Produce so Much More Output per Worker Than Others? *Quarterly Journal of Economics*, 114, (1), 83-116.
- 7- Hausmann, Ricardo., Pritchett, Lant & Dani Rodrik. (2005). Growth Accelerations. *Journal of Economic Growth*, 10, 303-329.
- 8- Helliwell, John, F.(1994). Empirical Linkages Between Democracy and Economic Growth. *British Journal of Political Science*, 24, 225-248.
- 9- Helliwell, John, F.(2000). Economic Growth and Social Capital in Asia, in R. Harris, (ed), *The Growing Importance of the Asia-Pacific Region*. From [www.positivity.wordpress.com](http://www.positivity.wordpress.com).
- 10- Jalilian, Hossein., Kirkpatrick, Colin & Parker, David. (2007). The Impact of Regulation on Economic Growth in Developing Countries: A Cross-Country Analysis. *World Development*, 35,(1), 87-103
- 11- Jerzmanowski, Michael. (2005). Empirics of Hills, Plateaus, Mountains, and Plains: A Markov-Switching Approach to Growth. *Journal of Development Economics*, 81(2), 357-385.
- 12- Jones, Benjamin, F., & A. Olken, Benjamin. (2005). The Anatomy of Start-Stop Growth. *NBER Working Paper*, 11528.

- 13- Jones, C.I. (2002). *Introduction to Economic Growth. Second Edition*. New York: w.w. Norton.
- 14- Mauro, Paolo. (1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*, 110, 681–712.
- 15- Rodrik, Dani, & Subramanian, Arvind. (2004). From ‘Hindu Growth’ to Productivity Surge: The Mystery of the Indian Growth Transition. *NBER Working Paper*, w10376.